



دکتر ابراهیم تیموری

نگاهبانی اسناد و تاریخ‌نویسی میان ایرانیان

روضه‌الصفای ناصری تألیف رضا قلی خان هدایت معروف به لاله‌باشی (پیشکار عباس میرزا ملک آراء برادر ناتنی ناصرالدین شاه و سپس پیشکار مظفرالدین میرزا) که در سال ۱۲۷۴ ه. ق در تهران بچاپ رسیده از جمله کتب مهم تاریخ دوره قاجاریه است که به دستور مقامات دولتی و یا زیر نظر و با تصویب آنها تنظیم و چاپ و به نوشته کنت دوگوبینو نماینده فرانسه در تهران به دستور و با پول ناصرالدین شاه تهیه شده^۱ و به گفته مخیرالسلطنه هدایت، میرزا آقاخان نوری صدراعظم وقت آن را کم و زیاد کرده است.^۲ پس به همین ملاحظات می‌توان، آن را نوعی از اسناد و مدارک دولتی تلقی کرد.

اسناد و مدارک دولتی مانند گزارشهای سیاسی و بازرگانی مأموران رسمی اعم از خودی و بیگانه، بیانیه‌ها، نطق‌ها و دستورهای رسمی مقامات مختلف، عهدنامه‌ها، موافقت‌نامه‌ها، یادداشت‌ها و خاطرات و امثال آن می‌تواند از منابع مهم برای تهیه تاریخ هر کشور باشد.

امروزه مجموعه‌هایی مانند بایگانی واتیکان، اداره بایگانی اسناد عمومی لندن، بایگانی دیوان هند در لندن و بایگانی ملی فرانسه در پاریس و بایگانی ملی هلند منحصر به خود آنهاست و در کشورهای دیگر همانند آنها نیست. در بین کشورهای دیگر شاید امپراطوری عثمانی استثناء باشد که لاقلاً قسمتی از اسناد و مدارک آن در «باش وکالت آرشیوی» استانبول حفظ گردیده اما تا این اواخر استفاده از این بایگانی نیز برای همه آسان نبوده است.

در ایران متأسفانه در گذشته هیچوقت سازمانی یا اداره برای بایگانی و حفظ اسناد و مدارک دولتی تأسیس نشده^۳ و یا اگر هم بایگانی‌های کوچکی به وجود آمد پس از مدتی از بین می‌رفت تا اینکه سازمان اسناد ملی طبق قانون مجلس در سال ۱۳۴۵ تشکیل شد.

در دوره قاجاریه بخصوص در اوایل آن دوران وزیران و دیگر مقامات غالباً اسناد و مدارک دولتی را نزد خود نگاهداری می‌کردند و با مرگ آنها این اسناد در اختیار وراثت قرار می‌گرفت و بتدریج در گوشه و کنار به دست این و آن می‌افتاد و یا از بین می‌رفت، شاید هنوز قسمت عمده آنها را

می‌توان در نزد اشخاص مختلف یافت.

در ایران خوشبختانه از قدیم که به تاریخ نویسی تا حدی علاقه نشان داده می‌شد مورخین خاصه آنها که بواسطه شغل و مقام خود با اسناد دولتی دسترسی داشته‌اند و یا با مقامات حکومتی مربوط بوده‌اند، با منعکس ساختن محتوای اسناد و یا اطلاعات بدست آمده در تاریخ خود تا حدی این نقیصه را جبران کرده‌اند. بعضی از این قبیل مؤلفین حتی گاهی متن سند را در کتاب خود نقل نموده‌اند. * * * گذشته از آنکه نبودن بایگانی و یا مرکز ثابت برای حفظ و نگاه‌داری اسناد و مدارک، موجب از بین رفتن آنها می‌شد، بعضی مواقع خود مقامات درباری و حکومتی و یا متنفذین محلی اگر سندی را به ضرر خود می‌دانستند آن را محو می‌کرده‌اند. بیهیچ مورخ اواسط قرن پنجم هجری می‌گوید مقادیری از یادداشتهایی را که برای تهیه تاریخش جمع‌آوری کرده بود به تحریک گروهی از قدرتمندان از بیم افشاگریهای او از بین بردند.

یادداشتی از محمدشاه

سرهنری رالینسون وزیر مختار انگلیس در دربار ناصرالدین شاه در یکی از گزارشهای خود در سال ۱۸۶۰ ضمن اشاره به سوءظن ناصرالدین شاه نسبت به عباس میرزا ملک آراه برادرش و اینکه اگر محمد شاه کمی بیشتر زنده می‌ماند عباس میرزا را به جای ناصرالدین میرزا ولیعهد می‌کرد می‌گوید: «دفتر یادداشتی از محمدشاه مرحوم در دست است که یادداشتهای مختلفی به خط او در آن ثبت شده و محبت او را نسبت به پسر جوانتر و علاقه و میل او را برای انتخاب کردن عباس میرزا به جانشینی خود بر تخت سلطنت نشان می‌دهد». یکی از این یادداشتهای ثبت شده به این شرح است: «امروز مرشد من حاجی (حاجی میرزا آقاسی) مرا بشارت داد که دریافته است (یعنی با تفکر و اندیشه) پسر کوچک من عباس روزی شاه ایران می‌شود و از آن وقت قلب من روشن گردید.»

این دفتر یادداشتها یا دفتر خاطرات کجاست؟ هیچ معلوم نیست.

احتمال زیاد این است که چون رابطه محمد شاه با همسرش مهد علیا (ملک جهان خانم) حسنه نبود و در این دفتر مطالبی علیه این خانم و پسرش ناصرالدین میرزا نوشته شده بود آن را از میان برده‌اند. در حالی که اگر این دفتر و دفترهایی مانند آن مانده بود بروشن شدن خیلی از مسائل کمک می‌کرد.

ترجمه تاریخ ایران سرجان ملکم

بطور کلی از هنگامی که چاپ کتاب در ایران مرسوم شده، همیشه نویسندگان و مؤلفین و حتی مترجمین مجبور بوده‌اند نوشته‌های خویش را با آنکه خوانندگان آنها معدود بوده‌اند خود یا توسط مأمورین دولت تحت نوعی سانسور قرار بدهند، یا گاهی به تحریف دست بزنند تا مورد خشم و غضب مقامات هیئت حاکمه یا دیگر مقامات قرار نگیرند. این «خود سانسوری» طبعاً ترجمه کتب تاریخ را هم دربرمی‌گرفت، چنانکه مثلاً ترجمه تاریخ ایران تألیف سرجان ملکم باین سرنوشت دچار شده است. سرجان ملکم بعد از سه سفر و مأموریتی که در اوایل سلطنت فتحعلی شاه در ایران داشت کتاب «تاریخ ایران» را تألیف کرد و در سال ۱۸۱۵ میلادی آن را در لندن بچاپ رساند. جیمز موریه نویسنده کتاب حاجی بابای اصفهانی نیز پس از خاتمه مأموریتش در ایران دو سفرنامه خود را در سالهای ۱۸۱۲ و ۱۸۱۸ در لندن بچاپ رسانید. قسمتهایی از این دو سفرنامه و همچنین تاریخ ایران

جان ملکم کمی پس از چاپ برای اطلاع فتحعلی شاه و عباس میرزا به فارسی ترجمه گردید. مطالب سفرنامهٔ جیمز موریه موجب نارضائی و ناخرسندی فتحعلی شاه شد، بطوریکه بعدها که ظاهراً دولت انگلیس تصمیم گرفته بود دوباره او را به تهران اعزام دارد با مخالفت مقامات دولت ایران روبرو شد.

نامهٔ میرزا صالح شیرازی و جیمز موریه

عباس میرزا نایب السلطنه در سال ۱۸۲۲ محمد صالح (میرزا صالح شیرازی) منشی و مترجم خود را که از تحصیل کردگان انگلستان بود و زبان انگلیسی را خوب می‌دانست به مأموریتی از جمله درخواست احضار هنری ویلاک کاردار وقت سفارت انگلیس به لندن اعزام کرد. محمد صالح در بازگشت مدتی در پاریس توقف کرد و در آنجا اطلاع یافت که وزارت خارجهٔ انگلیس در نظر دارد جیمز موریه را با عنوان وزیر مختار در دربار فتحعلی شاه مجدداً به ایران بفرستد. محمد صالح در روی کاغدی با مارک

Hotel D'Artois

Rue D'Artois

PARIS

نامه‌ای بتاريخ ۳۰ ژانویه ۱۸۲۳ به عنوان جرج کیننگ وزیر امور خارجهٔ انگلیس نوشته که ترجمهٔ فارسی آن بشرح زیر می‌باشد:

«اطلاع یافته‌ام برای اموری که دربارهٔ آن با آنجناب مکاتبه کرده‌ام تریباتی داده شده و ضمناً نام مستر جیمز موریه نیز برده می‌شود که احتمالاً برای نمایندگی دولت انگلیس در دربار ایران در نظر گرفته شده است. هرچند مجاز نیستم در این باره رسماً چیزی بگویم، بلکه برعکس باید این موضوع را به تشخیص و نظر صایب خود شما واگذار کنم، اما چون از آنچه که واقع شده یقین دارم اگر تمام جریان به نظر جنابعالی برسد شما در استحکام مبانی دوستی دو کشور راسختر اقدام خواهید کرد و طیفهٔ خود می‌دانم به اطلاع برسانم که مستر موریه شرح سفرهای خود را در ایران نوشته و منتشر کرده است که قسمتهای بسیاری از آن ترجمه گردیده و برای پادشاه، شاهزاده (ولیعهد) و صدر اعظم قرائت و موجب ناخرسندی زیاد آنها شده است. همچنین بعضی قسمتهای تاریخ ایران سرجان ملکم نیز برای شخصیتهای مزبور خوانده شده و موجب نهایت رضایت آنها بوده و باعث مزید حسن نظر آنها شده است بر آنچه قبلاً نسبت به سرجان ملکم در سه بار سفرش به ایران داشته‌اند. جان ملکم در آن سفرها چنان خود را مورد توجه تمام ملت قرار داده بود که حتی امروز نیز همان روستائیان او را می‌ستایند.

با توجه به این حقایق و با علم و اطلاعی که خودم دارم مطمئن هستم که سرجان ملکم در سرتاسر ایران با نهایت صمیمیت مورد استقبال قرار خواهد گرفت. امید است دربارهٔ این موضوع بیشتر احتیاج به گفتن نباشد. جز این تقاضا که این نامه را فقط یک نامهٔ خصوصی تلقی نمائید که از طرف کسی که صمیمانه علاقه‌مند به خیر و سعادت واقعی کشورش می‌باشد و کسی که قویاً طرفدار مصالح انگلستان است یعنی کشوری که در آنجا با چنان محبت و مهمان نوازی با او رفتار شده است که هیچوقت فراموش نخواهد کرد»^۳

شاید همین نامه موجب شد که از اعزام دوبارهٔ جیمز موریه که رویهمرفته ایرانیان از رفتار سابق

او در تهران دل خوشی نداشتند جلوگیری بشود و باز شاید بتوان گفت که همین موضوع باعث ناخشنودی بیشتر او از ایرانیان شد و در نتیجه چاپ کتاب حاجی بابای اصفهانی را جلو انداخت و سال بعد یعنی در سال ۱۸۲۴ چاپ اول آن را منتشر کرد.

تاریخ ایران سرجان ملکم با آنکه به گفته محمد صالح برخلاف سفرنامه‌های جیمز موریه مورد پسند فتحعلی شاه و عباس میرزا قرار گرفته بود و از او و تاریخش نهایت رضایت را داشتند، معهذ مدت نیم قرن یعنی تا سال ۱۸۶۵ طول کشید تا به فکر ترجمه آن افتادند و مدت شانزده سال ترجمه آن توسط میرزا حیرت و سپس چاپ آن بطول انجامید و سرانجام در سال ۱۸۷۶ انتشار یافت. این کتاب با آنکه در بمبئی چاپ شده، اما ترجمه کاملی از متن اصلی نیست و میرزا حیرت گذشته از آنکه حواشی را با متن در آمیخته، بنا بهمان ملاحظاتی که اشاره شد قسمتهائی از آنرا حذف کرده است چنانکه مثلاً صفحات ۲۷۲ و ۲۷۳ متن انگلیسی چون مطالبی درباره شقاوت‌های آقا محمد خان دارد و یا صفحات ۲۹۶ و ۲۹۷ که مربوط به کاترین امپراتریس روسیه و تصمیم او مبنی بر اینکه می‌خواسته است بجای آقا محمد خان برادرش مرتضی قلی خان را به سلطنت برساند بکلی حذف شده است.

روضه الصفاى ناصرى

اما در رة تاریخ روضه الصفاى ناصرى که در بالا به چگونگی تهیه و چاپ آن اشاره‌ای گردید چارلز مری که بهنگام اختلاف و جنگ بین ایران و انگلیس بر سر هرات وزیر مختار دولت انگلستان در دربار ناصرالدین شاه بود، در همان سال انتشار روضه الصفا (سال ۱۲۷۴ ه.ق) ضمن گزارشی به شماره ۹۰ مورخ ۳ ژوئن ۱۸۵۸ به عنوان لرد مامزبری^۵ وزیر خارجه انگلیس قسمتهائی از آن کتاب را که مربوط به اختلاف و جنگ بین دو کشور است مورد انتقاد قرار داده و ایرادهائی به آن گرفته و می‌گوید در آن تحریفاتی شده است. چارلز مری که یک نسخه از کتاب روضه الصفا را نیز ضمیمه گزارش خود کرده و می‌نویسد:

«این کتاب اخیراً در چاپخانه دولتی تهران به چاپ رسیده و ظاهراً تاریخ جدید ایران می‌باشد که از طرف مقامات دولتی منتشر شده است. این کتاب متمم کتاب تاریخ ایران است که روضه الصفا یا «باغ سرور»^۶ نامیده می‌شود و در واقع شامل سه جلد هشت و نه و ده است که در یک مجلد صحافی شده است.

جلد آخر توسط رضا قلی خان رئیس مدرسه دولتی تهران (دارالفنون) تهیه شده و توسط خود صدراعظم (میرزا آقاخان نوری) تجدید نظر و اصلاح شده است. اطمینان ندارم که این کتاب برای فروش همگان عرضه شود و نسخ آن را برای حکام تمام ایالات فرستاده باشند تا مطالب آن در تمام کشور منتشر گردد.

من فقط مجال کردم بطور سطحی قسمت آخر این تألیف را مطالعه کنم و از آنچه خوانده‌ام عقیده پیدا کردم دولت انگلیس می‌تواند به انتشار کتابی که با اجازه و دستور دولت ایران صورت گرفته (بعد از معاهده صلح و برقراری روابط دوستانه بین دو کشور) شکایت و اظهار عدم رضایت کند، زیرا بنظر می‌رسد هدف عمده آن منتشر کردن یک رشته تهمت و افتراهای خفت‌آور به ملت و دولت و نمایندگی انگلیس در خارج است که برای همیشه باقی بماند. در مقابل عباراتی که مربوط به علت قطع رابطه، حوادث بعدی آن و جنگهای بوشهر و محمره (اگر بتوان آنها را جنگ نامید) است علامت گذارده‌ام. درباره شروع قطع رابطه به چند دروغ بزرگ

مکرر برخوردارم که درباره زن میرزا هاشم خان از طرف دولت ایران علیه من منتشر شده است. از جمله اینکه من «خواسته‌ام که آن زن باید از خانه پدرش به محل نمایندگی انگلیس منتقل شود» در حالیکه گزارشهای رسمی در بایگانی وزارت خارجه در لندن و تهران حاکی است که من فقط یکبار درباره خانم مورد بحث درخواست کردم که او بایستی از توقیف به ناحق آزاد شود و تحویل شوهرش گردد. شخصیت و رفتار آقای چارلز مری (نویسنده این گزارش و وزیر مختار انگلیس در تهران) در این مورد از لحاظ افکار عمومی چه در ایران و چه در انگلستان ممکن است اهمیتی نداشته باشد، اما جنابعالی شاید با نظر من در این عقیده موافق باشید که انتشار چنین تهمت و افترا از طرف مقامات ایران علیه وزیر مختار انگلیس که اقدامش از طرف دولت متبوعش مورد تصویب قرار گرفته و درخواستش مورد تأیید واقع شده، عملی چنان اهانتم آميز است که دولت انگلیس حق دارد قویاً بخواهد تا این حملات تهمت آميز را از مصلحتی که می‌خواهند آنرا یک تاریخ معمول معاصر بدانند حذف نمایند»

چارلز مری سپس ضمن اشاره به اینکه پس از ملاحظه قسمت‌های آخر مجلد مورد بحث که توسط متر رد هوس^۷ یا محقق صلاحیتدار دیگر در زبان فارسی ترجمه شده باشد، اتخاذ تصمیمی درباره آن با وزیر خارجه انگلیس است می‌نویسد:

«لازم نیست که اضافه کنم امور مربوط به خوشاب، محمره و غیر آن نیز همه به همان طریق بکلی تحریف شده است، تعداد افراد طرف انگلیسها سه برابر و از آن ایرانیان نصف گردیده و شکست‌هایشان را پیروزی جلوه داده است. اگر این تألیف از طرف شخص غیر مسئولی نوشته شده و در یک کشوری که آزادی مطبوعات رایج است منتشر گردیده بود فقط مایه خنده می‌شد و قابل اعتنا نبود، اما چون یک نشریه رسمی است و به دستور دولتی منتشر گردیده است که مدعی است می‌خواهد روابط دوستانه با انگلیس داشته باشد موضوعی است که دولت انگلیس باید تصمیم بگیرد که آیا عبارات توهین آميز آن باید مورد توجه قرار بگیرد یا نه»^۸

این نمونه‌هایی از وضع تألیف و ترجمه در ایران قرن نوزدهم میباشد. روزنامه و روزنامه‌نگاری نیز وضعی بهتر ازین نداشته است. نامه‌ای از میرزا آقاخان صدراعظم بعنوان فرخ خان امین‌الملک سفیر ایران در پاریس که سه چهار ماه پس از انعقاد عهدنامه پاریس (سال ۱۸۵۷) بین ایران و انگلیس نوشته شده در دست است که متن آن در اینجا نقل میشود. و از روی آن نیز میتوان به چگونگی مطالب روزنامه آن دوره پی برد:

«از جمله گله‌گزارهای مسیو لئو^۹ که از جانب دولت انگلیس بشما می‌کرد یکی این بوده است که دولت ایران در ایام جنگ در ضمن روزنامه‌جات خود اسناد شکست بقشون انگلیس و نسبت غلبه و قوت بلشکر خود داده است و باین واسطه حلاف شان نسبت بدولت انگلیس شده است، اولاً آنچه روزنامه درین دولت چاپ شده جمیعاً از نزد شما نمره نمره موجود است، کدام روزنامه در استخفاف شان آن دولت چاپ شده است که باین شدت مایه حروف و شکایت باشد، ثانیاً در زمان جنگ مگر تکلیفی بر دولت ایران وارد بود که ملاحظه این قیدها را نمایند، یا اینکه دولت ایران بایستی اسناد ضعف و شکست بقشون خودشان بدهند، بدیهی است که هر دولتی در زمان جنگ لابد است که اگر هم شکست خورده باشد در داخله مملکت، بجهت قوت قلب رعیت و قشون خودش اشتها بدهد که ما فلان کار را از پیش بردیم و فلان فتح را نمودیم. روزنامه‌جات انگلیس که در ایام صلح قبل از افتتاح

جنگ در قدح دولت و امنای دولت ایران چاپ شده و بکل دنیا منتشر گردید، چرا باعث شکایت اولیای این دولت نشده است که این روزنامه زمان جنگ سبب گله اولیای آن دولت گردیده است و حال آنکه بمقتضای حالت و استحضار آنروز خبری که خلاف باشد در روزنامجات چاپ نشد. باری معنی این شکایت را نفهمیدم و شما باید موافق قاعده از عهده جواب ازین فقرات برآید، لکن حیرتی دارم که با وجود بودن شما در پاریس و لندن که رفع هر نوع اشتباه کاری و افساد را قادر هستید اینگونه تهمت‌های بی‌معنی باولیای دولت بزنند و بنیان دوستی را هر ساعت متزلزل سازند، بعد از مراجعت شما چه خواهد شد و آیا اولیای دولت ایران بجه اطمینان از بقای این دوستی ایمن و آسوده خواهند بود. چیزی که برای شما زیاد زیاد لازم است این است که بهر طور توانید و پیشرفت داشته باشد قراری درین باب بدهید که من بعد را اولیای دولت علیه ازین قبیل حرفها و مفسده‌جویی‌های ارباب غرض آسوده باشد. علم‌الله تعالی که اولیای این دولت را مقصودی بجز حفظ عهد مودت با دولت انگلیس چیزی در نظر نیست، اما با این اشتباهات که هر ساعت خاطر اولیای دولتین را بشیبه میاندازد چه باید کرد، علاجی بکن کز دلم خون نیاید. فی ۲۲ ذیحجه الحرام سنه ۱۲۷۳

* * *

این خلاصه‌ای از سوابق و چگونگی تألیف و ترجمه تاریخ و روزنامه نگاری در ایران دوره قاجاریه و نمونه‌هایی از مطالب و محتویات آنها و همچنین زبان‌های ناشی از فقدان یک مرکز قدیمی برای حفظ اسناد و مدارک تاریخی است که می‌تواند تا اندازه‌ای مبین ناهمواری راه برای محققان در این زمینه باشد.

* * *

آینده - در این باره بارها و بارها در نشریات جدی بحث شده است. در دوره‌های اول و دوم مجله آینده که انتشار اسناد و مدارک تاریخی / سیاسی مرسوم شد انتقاداتی بر شیوه نگاه‌داری اسناد شده بود. پس از آن مرحوم عباس اقبال آشتیانی در مجله یادگار اشاراتی درین موضوع کرد. اینجانب در مجله یقمای سال ۱۳۴۳ مقاله‌ای با عنوان «دیوان اسناد» منتشر کردم و بیشتر به لزوم تشکیل آرشیو پرداختم. البته در سال ۱۳۴۸ سازمان اسناد ملی به وجود آمد و سیروس پرهام در پایه‌گذاری آن سهم اساسی داشت، ولی تاریخ ایران آنقدر از «حس اسناد» و بالمآل ضایع شدن و از میان رفتن اسناد ضرر دیده است که گفتنش ملال‌آور است، «سند» هنوز مقامش درست روشن نیست و تأسف آمیز است که همه تاریخ‌پردازان به دنبال اسناد موافق قضاوت‌های پیش‌ساخته و مطلوب عقاید خود می‌گردند و می‌خواهند اگر کسی را بد می‌دانند فقط سند‌هایی را چاپ کنند که بدیهی‌ای او را بنمایاند و ملعون ازل و ابدش کنند و اگر کسی را خوب می‌دانند دوست دارند اسنادی را که دلالت بر بدیهی‌ای او دارد مخفی کنند! و به آرامی از کنار آن بگذرند. درحالی که مورخ عالم باید به هر دو سند بنگرد و برایش تفاوتی نداشته باشد که از سند چه مضمونی عاید می‌شود. اسنادست که تاریخ را می‌تواند درست جلوه گر کند. در غیر این صورت قسسه‌های دروغ‌پردازی است.

یادداشتها

۱- سه سال در آسیا، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی. صفحه ۴۲۴

۲- خاطرات و خطرات، صفحه ۶۰

* - اگر هم «اطلاق اسناد» دولت ناصری و مظفری وجود داشت با تأسیس ادارات پس از مشروطه و پس از آن تحولات تغییر سلطنت صدمه دید، پس از آن هم صدمه‌های دیگر بر این گونه گنجینه‌ها وارد آورد. برای تفصیل مراجعه شود به مقاله «دیوان اسناد» که در سال ۱۳۴۲ نوشتم و در مجله یغما چاپ شد (ا.ا).

* * - از جمله این تواریخ برای نمونه می‌توان کتب ذیل را ذکر کرد:

الف - تاریخ بیهقی تألیف ابوالفضل محمدبن حسین بیهقی دبیر دربار سلطان محمود و سلطان مسعود غزنوی بیهقی در حدود چهل سال از عمر خود را در خدمت فرمانروایان غزنوی گذرانده است.

ب - تاریخ جهانگشای جوینی تألیف عطا ملک جوینی که پدرش و خودش سالهانی در خدمت حکام مغول و ایخانان ایران بوده‌اند.

پ - جامع التواریخ تألیف رشیدالدین فضل‌الله وزیر غازان خان و اولجایتو ایخانان ایران، در تاریخ مغول.

ت - عالم آرای عباسی نوشته اسکندر بیگ، منشی دربار شاه عباس اول در شرح وقایع دوران سلطنت آن پادشاه.

ث - جهانگشای نادری تألیف میرزا مهدی خان استرآبادی منشی نادرشاه افشار.

ج - تاریخ گیتی گشا تألیف میرزا محمد صادق موسوی اصفهانی که به دستور جعفرخان زند دربارهٔ دودمان زندیه نوشته شده است.

چ - گلشن مراد تألیف ابوالحسن غفاری کاشانی منشی پسر میرزا معزالدین محمد مستوفی علیمرادخان زند.

ح - احسن التواریخ تألیف میرزا محمد ساروی که به دستور آقا محمدخان قاجار نوشته شده است.

خ - مآثر سلطانی، تاریخ جنگهای ایران و روس تألیف عبدالرزاق مفتون دنبلی منشی دیوان عباس میرزا نایب‌السلطنه

د - تاریخ ذوالقرنین تألیف میرزا فضل‌الله شیرازی متخلص به خاوری منشی فتحعلیشاه.

ذ - ناسخ التواریخ تألیف میرزا تقی میهر (لسان‌الملک) که به دستور ناصرالدین شاه و صوادبدید میرزا آقا خان نوری صدر اعظم تهیه و چاپ شده است.

ر - کتاب منتظم ناصری (در سه جلد) تألیف محمدحسن خان صنیع‌الدوله (اعتمادالسلطنه بعدی) وزیر انطباعات و دارالترجمه ناصرالدین شاه که کتب دیگر هم چون المآثر و الآثار و مرآت البلدان تهیه کرده است و این دو کتاب

هم را می‌توان «رسمی» دانست، مخصوصاً المآثر و الآثار که برای چهلین سال سلطنت ناصرالدین شاه تألیف شده.

ز - افضل التواریخ تألیف میرزا غلامحسین خان افضل الملک مستوفی دیوان که به دستور مظفرالدین شاه آن را تهیه نموده است.

بطوری که ملاحظه می‌شود مؤلفین و نویسندگان کتب فوق همه از وابستگان دیوان و دربار فرمانروایان وقت ایران بوده‌اند. این اشخاص به واسطهٔ مقام و یا موقعیت شغلی خود به اسناد و مدارک حکومتی و یا اشخاص صحنه‌های فعالیت‌های سیاسی و نظامی دسترسی داشته‌اند و در نتیجه بهتر می‌توانسته‌اند اخبار صحیح و موثق را تهیه و ثبت نمایند، اما از طرف دیگر به واسطهٔ همان وابستگیها و ملاحظات شغلی ناچار می‌شدند نوعی سانسور را بر خود هموار نمایند و از ثبت و ضبط بعضی وقایع که موجب ناخشنودی فرمانروای شیوع آنها می‌گردیده چشم‌پوشی کنند و یا به تحریف و قلب آن وقایع پردازند، بطوری که در بعضی مواقع حتی حوادث را بکلی برعکس جلوه دهند و موجب گمراهی آیندگان بشوند.

۳- ادارهٔ بایگانی اسناد عمومی لندن، مجموعه شمارهٔ F.O. 60/23

۴- CH.A. Murray. سردنپس رایت در کتاب خود به نام انگلیسها در میان ایرانیان (صفحهٔ ۲۳ چاپ لندن) با آن که چارلز مری را ناآزموده‌ترین و نامناسب‌ترین نمایندگان انگلیس در دربار ایران نامیده، اما استعدادهای او را در زبان و ادبیات می‌ستاید.

5- Malmesbury

6- The Garden of Pleasure

7- Redhouse

۸- بایگانی اسناد عمومی - لندن. مجموعه شمارهٔ F.O. 60/232

۹- لنج یک نفر انگلیسی بود که به هنگام مذاکرات بین ایران و انگلیس در پاریس وظیفهٔ رابط بین طرفین را به عهده داشت و پس از انعقاد عهدنامهٔ پاریس به پیشنهاد امین‌الملک از طرف ناصرالدین شاه یک قطعه «نشان اول شیر و خورشید از مرتبهٔ سرتیپی با حمایل سرخ و لقب خانی» به او اعطا شد و از آن پس او را در مکاتبات «لنج صاحب‌خان» خطاب می‌کردند.

* * *

در مقالهٔ آقای وحیدیان کامیار (صفحهٔ ۱۷) مندرج در شمارهٔ ۱ - ۴ سال

۱۶ «که راه و رسم و سفر از جهان براندازم» نادرست و «که از جهان ره

و رسم سفر براندازم» درست است.